

# در اندرونی اهل قلم (۲)

## ترجمه پر تو شریعتمداری

کاملاً افقی هستم! تا روی تخت یا کاناپه دراز نکشم، مغزم کار نمی‌کند. سیگار و قهوه هم باید کنار دستم باشد تا هم دود کنم و هم قلب قلب قهوه بخورم. طرف‌های عصر که می‌شود، به جای قهوه چای نعنائی یا شری و بعد مارتینی می‌خورم. نوشته‌هایم را روی کاغذ زرد تایپ می‌کنم. اما نه هر زردی، بلکه یک زرد بسیار مخصوص. برای تایپ کردن از رختخواب بیرون نمی‌آیم، بلکه ماشین تحریر را روی زانوهایم می‌گذارم.»

ادمون روستان، شاعر و نمایشنامه‌نویس فرانسوی و خالق *سیرانو دو برژراک* هم ترجیح می‌داد به حالت خوابیده بنویسد. البته او در وان حمامش لم می‌داد تا رفت و آمد دوستان وقفه‌ای در کارش ایجاد نکند.

### برهنه با کاغذ و قلم

بعضی نویسنده‌ها برای رسیدن به موقعیتی ایده‌آل برای نوشتن، کارهای عجیب و غریبی می‌کنند. ویکتور هوگو، نویسنده *بینوایان* و گوژپشت *تردام* هر وقت در روند نوشتن به بن‌بست می‌رسید و به اصطلاح قلمش می‌خشکید، لباس‌هایش را از تن می‌کند. به مستخدمش می‌گفت که لباس‌هایش را ببرد و تا پایان روز آن‌ها را برنگرداند و هیچ چیز به جز قلم و کاغذ برای او باقی نگذارد تا هوگو به هیچ کار دیگری مشغول نشود مگر نوشتن. دی. اچ. لارنس، رمان‌نویس انگلیسی از این هم افراطی‌تر بود و گاه پیش از نوشتن، لباس‌هایش را از تن می‌آورد و از یک درخت شاتوت بالا می‌رفت. گویا تماس با شاخ و برگ زبر درخت برایش الهام بخش بود. آن وقت پایین می‌آمد و به نوشتن آثار بحث‌انگیزی چون *معشوق خانم چترلی* مشغول می‌شد.

### صندلی ممنوع

لوئیس کارول<sup>۵</sup>، ژرژ ساندر<sup>۶</sup> و ویرجینیا وولف همگی از کسانی بودند که خوش داشتند به حالت ایستاده بنویسند. ارنست همینگوی، نویسنده بنام امریکایی هم که بسیار اهل سیر و سفر بود برای نوشتن به جای میز تحریر از یک میز خطابه استفاده می‌کرد و می‌گفت: «با نوشتن و

### آلونک دنج

لویی دو برنیه<sup>۱</sup>، دیلن تامس<sup>۲</sup>، مارک تواین، ویرجینیا وولف و جیلی کوپر<sup>۳</sup> هر کدام در نوشتن شیوه‌های کاملاً متفاوتی را دنبال کرده‌اند؛ اما یک ویژگی در آن‌ها مشترک است: همگی در مقطعی از حرفه‌شان در فضای یک آلونک به نوشتن پرداخته‌اند. البته عادت به نوشتن در یک آلونک، منحصر به این افراد نبوده است. جورج برنارد شاو، نمایشنامه‌نویس ایرلندی هم بعضی از آثار خود از جمله *پیگمالیون* را در کپر چوبی گردانی که در انتهای باغ خانه‌اش بود آفرید. تخته زیرین و مدور این کپر بر چرخ‌هایی سوار بود و در نتیجه می‌شد برای تغییر چشم‌انداز روبه‌رو و یا برای قرار گرفتن در برابر نور خورشید کپر را چرخاند.

چارلز دیکنز هم از کسانی بود که دوست داشت در فضای کوچک یک کپر یا آلونک بنویسد. او در باغ منزلش در کنت، کلبه‌ای دو طبقه داشت که طبقه دوم آن ایوانی داشت و دیکنز می‌توانست در فاصله نوشتن هر فصل از رمان‌هایش در این ایوان هوایی تازه کند. رولد دال<sup>۴</sup>، دیگر قصه‌پرداز بریتانیایی هم شماری از داستان‌های تخیلی خود را برای کودکان در یک آلونک تنگ و تاریک کرد که در آن عکس‌ها، نقاشی‌ها و اشیای عجیب و غریبی از جمله یک توپ بزرگ دیده می‌شد که از کاغذهای شکلات درست شده بود.

### خوابیدن به از نشستن

وودی آلن، کارگردان و نویسنده امریکایی درازکشیدن در رختخواب را الهام‌بخش می‌داند و گفته است: «صبح‌ها، بعد از ورزش و صبحانه، یک زیردستی، چندبرگ کاغذ و یک قلم بر می‌دارم و روی تخت دراز می‌کشم. دو ساعت می‌نویسم و بعد دوش می‌گیرم. دو ساعت دیگر هم می‌نویسم و برای صرف ناهار نوشتن را تعطیل می‌کنم. تمام بعد از ظهر را هم به نوشتن مشغولم... تنها چیزی که لازم دارم وقفه‌هایی کوچک برای تمرین نواختن کلارینت و هواخوری است.»

ترومن کاپوتی، دیگر نویسنده امریکایی از این هم فراتر رفته بود و در مصاحبه‌ای با نشریه *پاریس ریویو* گفته بود: «من نویسنده‌ای



## نشر آبی منتشر کرد:

### زندگی سیاسی و اجتماعی حاج رضارفع

(قائم مقام الملک)

به کوشش مسعود رفیع

باراک اوباما

هسرلر وگنر، ترجمه مؤده مقدس

### خاطرات پل برماولین حاکم آمریکایی عراق

ترجمه میرحسن رئیسزاده

سروری یا بقا

نوآم چامسکی، ترجمه مهدی غبرایی و میرحسن رئیسزاده

ایران پرتلاطم

سرالدون گریفیث، ترجمه فرید جواهرکلام

پرواز با ترانه

اینکه برگ باخمن، ترجمه چنگیز پهلوان

محمدعلی میرزاو لیمهد و محمدعلی شاه مخلوع

ایرج افشار

تهران: خیابان کریمخان زند، شماره ۵۳ (۱۰۹ سابق)

تلفن: ۸۸۸۴۳۵۲۵ فکس: ۸۸۳۰۵۶۰۴

سفر رفتن حتی اگر ذهن آدم باز نشود، باسن آدم عریض تر می شود و من دوست دارم سرپا بنویسم.»

### در سکوت و انزوا

مارسل پروست، نویسنده فرانسوی و آفریننده آثاری چون در جستجوی زمان از دست رفته در دوران خلاقیت ادبی روزبه روز مردم گریز تر می شد. او شب هنگام و در اتاقی ضد صدا که تمام منافذ آن پوشیده شده بود می نوشت. یک نویسنده منزوی دیگر هم جی. دی. سالینجر (نویسنده ناتور دشت) است که هر روز با طلوع خورشید بر می خاست و تا ۱۶ ساعت بی وقفه به نوشتن می پرداخت و به این ترتیب عملاً از عالم و آدم پرهیز می کرد. محل نوشتن او هم یک بانکر بتونی در نزدیکی خانه اش بود.

گرتروود استاین، نویسنده و منتقد هم برای سرودن شعر سوار اتومبیل فوردش که کنار جدول خیابان پارک شده بود می شد، بر صندلی راننده می نشست و روی هر کاغذ پاره ای که دم دستش بود اشعار خود را می نوشت. در سال های اخیر هم جان اتان فرانزن، نویسنده آمریکایی و خالق *The Corrections* برای آن که موقع نوشتن از مزاحمت های محیط اطراف در امان باشد از چشم بند و گوش گیر استفاده می کند.

[ برگرفته از: ضمیمه ادبی نشریه ابرور ]

۱. نویسنده و برنده جایزه ادبی «نویسندگان کشورهای مشترک المنافع»، خالق کتاب های ماندولین کاپتان کورلی، سگ سرخ و پرندگان بی بال.
۲. شاعر و نویسنده بنام ولزی.
۳. روزنامه نگار و نویسنده انگلیسی.
۴. نویسنده ولزی نروژی تبار و خالق چارلی و کارخانه شکلات سازی.
۵. نویسنده و ریاضی دان انگلیسی و خالق آلیس در سرزمین عجایب.
۶. نویسنده و فمینیست فرانسوی قرن نوزدهم.

جهان

از مجموعه «سروده های زمانه» منتشر کرده است:

عاشقانه های

عصر خشونت

اریش فرید

به روایت

خسرو ناقد و باسرماسم